

در سنت حدیث پژوهشی غربی

المعارف نخستین دایرة

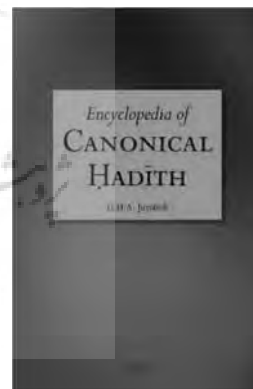
مروری بر دایرةالمعارف احادیث رسمی،

تألیف خوتیر ینبل

خوتیر ینبل^۱ در سنت حدیث پژوهی غربی نقشی بیشتاز و سهمی قابل ملاحظه دارد. ینبل از نخستین کتابش با عنوان وثاقت کتاب‌های حدیثی: مباحثاتی در مصر معاصر،^۲ در باب مباحث و مجادلاتی که دانشمندان مصری معاصر پیرامون وثاقت و کارکرد حدیث طرح کرده‌اند، تا مقالات متعددی که از آن پس نگاشته است،^۳ دامنه وسیعی از موضوعات گوناگون حدیثی را بررسی کرده است. ینبل که نظریه شاخت^۴ درباره به کارگیری اسانید برای تاریخ‌گذاری روایات - یعنی مشخص کردن تاریخ رواج و نشر آنها - را مبنای پژوهش‌های خویش قرار داده است، روشی پیچیده و منحصر به فرد برای کشف «پدیدآورنده»^۵ حدیث - یعنی کسی که مسئول انتساب آن گفتار به پیامبر است - طراحی کرده است. ینبل اصطلاحات ویژه‌ای برای توصیف روش‌شناسی خویش در معرفی ابعاد گوناگون جعل اسناد و متن احادیث ابداع کرده و با بررسی نمونه‌های متعددی از روایات آن بهبود بخشیده است.^۶ شرح کاملی از آخرین ویراست روش‌شناسی ینبل در مقدمه کتاب حاضر آمده است (صص xviii-xxxiii).^۷

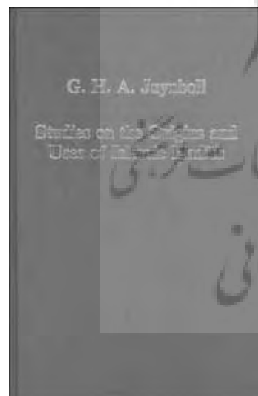
به گفته ینبل، دایرةالمعارف احادیث رسمی حاوی ترجمه و تحلیل بخش عمده‌ای از روایات در جوامع رسمی حدیث اهل سنت (اصطلاحاً کتب سته)^۸ و پاره‌ای از جوامع کهن‌تر و غیررسمی است (صص xvii). او این مهم را با عرضه مدخل‌هایی صورت داده است که نه براساس خود احادیث، بلکه برطبق راویان اصلی که ینبل آنها را «حلقه مشترک»^۹ نامیده است، سامان یافته‌اند. حلقه‌های مشترک از نظر ینبل افرادی هستند که عامل جعل و انتشار احادیث بوده‌اند. این

سیدعلی آقایی



Encyclopedia of Canonical Hadith,
by G.H.A. Joynboll
(Leiden/Boston:
Brill, 2007), xxxiii,
804 pp

مداخل دامنه گسترده‌ای از راویان - تقریباً ۳۰۰ راوی، از صحابه‌ای چون ابن عباس (م. ۶۸) گرفته تا راویان عمدهٔ احادیث نظیر زهری (م. ۱۲۴) و جامعی مثل مالک بن انس (م. ۱۷۹) و حتی مؤلفان کتب سته را شامل می‌شود. او در ذیل هریک از این مدخل‌ها تنها گزیده‌ای از احادیث (۲۲۸۰ روایت) را بررسی کرده است و چنان‌که خود اظهار داشته است مباحث خویش را صرفاً بر شناسایی پدیدآورندگان احتمالی آن‌ها استوار ساخته است (ص XVII). بدین منظور وی تحلیلی اسنادی از احادیث منتخب به دست داده است تا از این رهگذر معرفی آن راوی به‌عنوان پدیدآورندهٔ روایت توجیه شود (ص XVII).



ینیل ذیل مداخل این دایره‌المعارف اطلاعات شرح‌حالی راویان را گرد آورده، و جایگاه ایشان در شبکهٔ نقل احادیث را تحلیل و فعالیت علمی آنان را ارزیابی کرده است که برای مراجعه‌کننده به کتاب بسیار ارزشمند است. یکی دیگر از ویژگی‌های سودمند این کتاب ترجمه و توضیح معنای احادیث است که ینیل در لابلای مباحث خویش آورده است. اما عنوان کتاب، یعنی دایره‌المعارف احادیث رسمی، برای خوانندهٔ ناآشنا با پژوهش‌های حدیثی ینیل تقریباً غلط‌انداز است، چه این کتاب اساساً دایره‌المعارف احادیث نیست. گذشته از این که کتاب به‌مثابهٔ معجم الفبایی تراجم سامان یافته است، دست‌کم انتظار می‌رفت که راهی برای دسترسی آسان به انبوه احادیثی که از کتب سته در آن گنجانده شده است، و نیز مباحثی که ینیل دربارهٔ زمان انتشار و پدیدآورندگان آنها طرح کرده است، در نظر گرفته می‌شد، اما چنین نیست و کتاب فاقد نمایهٔ احادیث (به عربی یا انگلیسی) است. تنها نمایه‌ای مبسوط برای اصطلاحات، موضوعات و اعلام تدارک دیده شده است. از سوی دیگر، به‌رغم آن‌چه از عنوان کتاب برمی‌آید، مؤلف به هیچ‌وجه در پی جامعیت کتاب نبوده است؛ از این‌رو، هیچ تضمینی نیست اگر کسی به دنبال روایتی خاص باشد، لزوماً بتواند آن را در این اثر بیابد. بنابراین، کتاب حاضر به‌عنوان مرجعی تحلیلی برای محتوای جوامع حدیثی رسمی اهل سنت (یعنی کتب سته) کارکردی محدود دارد.

این دایره‌المعارف همچنین محصولی نسبتاً بزرگ از کار علمی فردی (و نه حاصل تلاشی جمعی) است. بنابراین کسی که به این کتاب مراجعه می‌کند باید از دیدگاه ینیل دربارهٔ احادیث و روش‌های تاریخ‌گذاری او و نیز انتقاداتی که به آنها وارد شده است، آگاه باشد. بدین سبب در ذیل برای اطلاع خواننده، دیدگاه حدیثی ینیل و انتقادهای طرح‌شده دربارهٔ روش‌های تاریخ‌گذاری پیشنهادی او

به اجمال بیان می‌شود.

چنان‌که مشهور است، ساخت بر این رأی بود که اسانید «رشدی وارونه»^{۱۰} را پشت‌سر گذاشته‌اند. مستند وی آن بود که وقتی حدیثی نبوی در مجموعه‌ای روایی چون صحیح بخاری یافت می‌شود که در جوامع کهن‌تر به‌عنوان قول صحابی یا تابعی نقل شده است، معلوم می‌شود که سند روایت در صحیح بخاری با افزودن نام مراجع کهن‌تر ترقی یافته است تا اصطلاحاً به اسنادی مرفوع بدل شود. ینبل این نتیجه‌گیری ساخت را تعمیم می‌دهد. به نظر او، حتی اگر نتوانیم قول صحابی/تابعی را بیابیم که با حدیث نبوی مرتبط باشد، همین‌که ظاهراً بسیاری از احادیث نبوی از اقوال غیرنبوی نشأت گرفته‌اند، کافی است برای این‌که چنین نتیجه‌گیری کنیم که «هر قول نبوی مظنون است که از همین گونه باشد»^{۱۱} بنابراین پیش‌فرض ینبل آن است که می‌توان چنین فرض کرد که همه روایات منسوب به پیامبر جعلی‌اند.

ینبل با تکیه بر نظریه «حلقه مشترک» ساخت تأکید می‌کند که یک حدیث هرچه بیشتر از عالمی نقل شده باشد، «آن لحظه نقل از تاریخیت»^{۱۲} بیشتری برخوردار است» یا به بیان دیگر، هرچه نقل حدیثی از یک راوی بیشتر باشد، شواهد بیشتری وجود دارد که آن حدیث واقعاً آن زمان وجود داشته است. در نتیجه حدیث باید در اندک زمانی پیش از آن جعل شده باشد. هر اسنادی که فاقد چنین شواهد چندگانه‌ای باشد، اعتبار تاریخی‌اش مشکوک است، خصوصاً با توجه به تعلق خاطری که مسلمانان دوره‌های متقدم نسبت به احادیث و نقل آنها داشته‌اند. در واقع ینبل این استدلال را کاملاً موجه می‌داند که وقتی طرق مختلف نقل (اسانید متعدد) یک حدیث موجود نیست، آن حدیث باید جعلی باشد (= برهان مبتنی بر سکوت^{۱۳})، زیرا محدثان مسلمان عادتاً همه نقل‌های موجود از یک حدیث را (که می‌یافتند) جمع می‌کردند، بنابراین از قلم‌افتادگی هر طریق نقل حاکی از نبود آن است. بدین ترتیب، از نظر ینبل تنها «لحظه»^{۱۴} تاریخی اثبات‌پذیر در نقل یک حدیث با حضور حلقه مشترک حاصل می‌شود. از آن‌جا که بعید است یک حدیث واقعی تنها توسط یک اسناد از پیامبر نقل شده باشد، هر چیزی پیش از حلقه مشترک باید توسط او جعل شده باشد. همچنین حدیثی که حلقه مشترک ندارد، و تنها مجموعه‌ای از طرق منفرد^{۱۵} نامرتبط با هم دارد (که ینبل آن را شبکه «عنکبوتی»^{۱۶} می‌نامد)، به هیچ وجه از نظر تاریخی قابل تاریخ‌گذاری نیست.^{۱۷}

ینبل اسانیدی را که در جوامع حدیثی‌ای یافت می‌شوند که متأخر از جوامع حدیثی حاوی طرق مرتبط با حلقه مشترک‌اند، اسانید «شیرجه‌ای»^{۱۸} می‌نامد. به نظر وی این اسانید توسط همان جامعان متأخر جعل شده‌اند تا نشان دهند طرقی منحصر به فرد یا کوتاه‌تر تا پیامبر برای آن حدیث در اختیار داشته‌اند.^{۱۹} قضاوت ینبل درباره

طرق «شیرجه‌ای» به این نتیجه می‌انجامد که او مفهوم طریق‌های پشتیبان (= حدیث متابع، اصطلاح رایج در میان محدثان مسلمان) را نیز جعلی می‌شمرد؛ چه این طریق‌های نقل، مستقل و فاقد حلقه مشترک‌اند، تاریخیت آن‌ها قابل تأیید نیست. از نظر ینبل، این‌ها صرفاً احادیثی تقلبی‌اند برای این‌که علی‌الظاهر اسناد حدیث را تقویت کرده و آن را معتبرتر سازند. ینبل از این‌که محدثان بزرگی چون ابن حجر عسقلانی (م. ۸۵۲) این موضوع را دریافته‌اند، ابراز شگفتی می‌کند.^{۲۰}

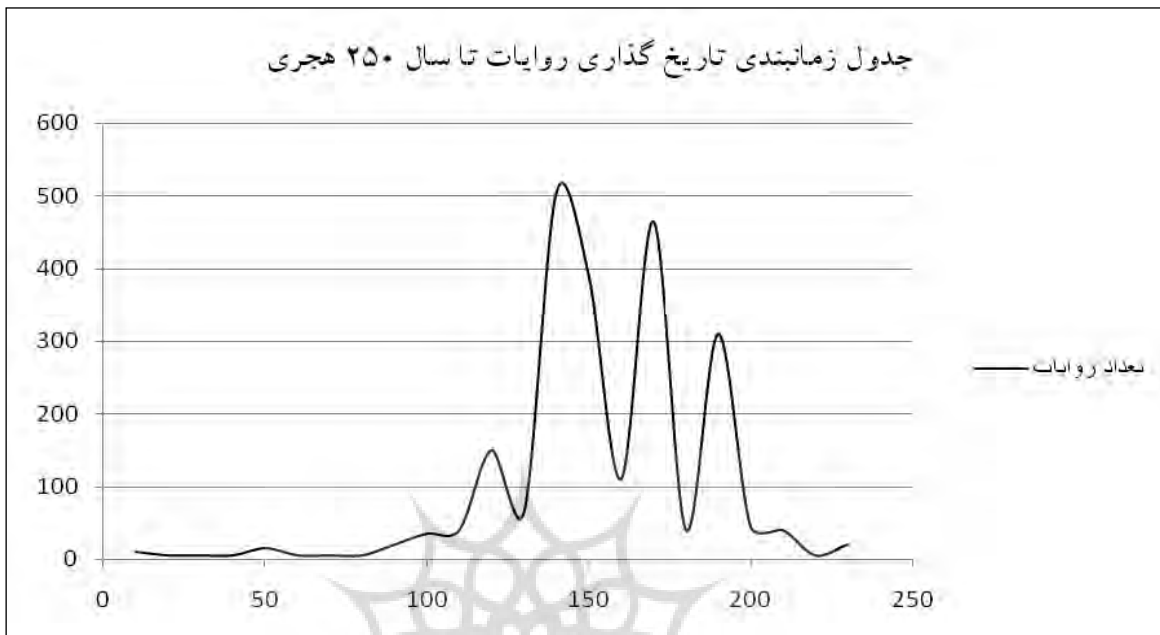
ینبل با روشی که در فوق به اجمال بیان شد، به تاریخ‌گذاری روایات پرداخته است. به نظر او بخش عمده روایات در دوران شافعی (۱۵۰-۲۰۴) و نیم‌قرن پیش از آن جعل شده‌اند، برخلاف شافعی که آن را دوران شافعی و نیم‌قرن پس از وی دانسته است. کریستوفر ملچرت در مقاله مروری که بر این دایرةالمعارف نوشته است بر مبنای تاریخ‌گذاری پیشنهادی ینبل برای احادیث بحث‌شده در این کتاب، جدول زمانی زیر را ترسیم کرده است:^{۲۱}

البته در سال‌های اخیر پیش‌فرض‌ها و روش‌های ینبل با انتقاداتی شدید مواجه شده‌اند. از آن‌جا که مؤلف در کتاب حاضر توجه چندانی به ایرادها نداشته و هم‌چنان به روش‌های خویش وفادار مانده است، در ذیل به اهم ایرادها وارد بر رهیافت ینبل و این‌که در این دایرةالمعارف تا چه حد بدان‌ها اعتماد شده است، می‌پردازیم. منتقد اصلی روش‌های ینبل هارالد موتسکی است، که دو انتقاد اصلی بر پژوهش‌های ینبل وارد ساخته است:^{۲۲} نخست، در اعتبار برهان مبتنی بر سکوت تردید می‌کند؛ دوم، تفسیری متفاوت از «حلقه مشترک» به دست می‌دهد که با نظام آموزشی در صدر اسلام سازگارتر باشد.

درباره این پیش‌فرض ینبل که اگر حدیثی در دوره متقدم تنها از طریق یک اسناد نقل شده است، باید جعلی تلقی شود، موتسکی معتقد است که ما نباید انتظار داشته باشیم که اسانید متعددی از شخصیت‌هایی چون تابعین، صحابه و پیامبر بیابیم. به علاوه، نظام اسانید صرفاً در دوران تابعین، یعنی اواخر سده نخست هجری تداول یافته است و برای راویان و فقهای متقدم که احياناً اسانیدی تا پیامبر ذکر کرده‌اند، تنها این موضوع اهمیت داشت که یک اسناد برای حدیث ذکر کنند، نه شبکه‌ای از اسانید چنان‌که از اوایل سده دوم هجری به بعد رواج یافت.

هم‌چنین درباره این پرسش ینبل که اگر مسلمانان با وسواس و با حضور صدها شاگرد در جلسه درسی یک استاد احادیث را نقل کرده‌اند، پس چرا در تاریخ به جای آن همه شاگرد، تنها نقل یک نفر از آن استاد به جای مانده است، می‌توان عوامل فراوانی را در نظر گرفت. درست به همان دلیل که تنها درصد کمی از شاگردان هر

جدول زمانبندی تاریخ گذاری روایات تا سال ۲۵۰ هجری



در مقدمه دایرةالمعارف یادآور می‌شود که چطور تحفة را کشف کرده است و این کتاب چنان وی را تحت تأثیر قرار داده که کتاب خویش را به ویراستار آن هدیه کرده است.^{۳۳} موتسکی تذکر می‌دهد که اگر به منابع فراوان و متنوعی از جمله منابع کهن نظیر مصنف عبدالرزاق سمعانی (م. ۲۱۱) و منابع متأخر چون دلائل النبوة بیهقی (م. ۴۵۸) نظری بیافکنیم، در می‌یابیم که «حلقه مشترک» واقعی بسیاری از احادیثی که ینبل تحلیل کرده است در دوران صحابه در اواسط سده نخست هجری قرار می‌گیرند. اینها بسیار متقدم‌تر از کسانی‌اند که ینبل نوعاً به‌عنوان پدیدآورندگان احادیث شناسانده است.

موتسکی تبیینی دیگر از پدیده «حلقه مشترک» ارائه کرده که ظاهراً با اطلاعات موجود از سنت روایت اسلامی در سه قرن نخست سازگارتر است. به نظر او، «حلقه‌های مشترک»، نخستین جامعان و نشردهندگان حرفه‌ای علم به‌طور کلی و احادیث به‌طور خاص، در سده‌های نخست اسلامی بوده‌اند. البته این بدان معنا نیست که آنان دست به اصلاح، ترکیب و حتی جعل روایات زده‌اند. به نظر به جای آن که فرض کنیم روایان سرشناسی نظیر زهری و ابن جریج (م. ۱۵۰) جاعلان کارکشته احادیث بوده‌اند، منطقی‌تر آن است که آنان را روایان حرفه‌ای بدانیم که احادیث را به‌طور روشمند از نسل پیش از خود نقل کرده‌اند.

برخی از محققان و حدیث‌پژوهان غربی - فارغ از اشکالات روش‌شناختی پیش‌گفته - مسأله‌دارترین جنبه روش ینبل را ناشی

استاد راه وی را ادامه می‌دهند تا خود استاد شوند، بعید نیست که فقط یکی از شاگردان راوی حدیث، به روایت نظام‌مند احادیث پرداخته باشد. ینبل اظهار کرده بود که تنها نقل یک به بسیار می‌تواند از نظر تاریخی در حیات یک حدیث «لحظة» مستند تلقی شود. اما موتسکی پاسخ می‌دهد اگر صرفاً نقل یک نفر به چند نفر را به لحاظ تاریخی معتبر بدانیم، پس چرا تنها نقل‌های معدودی از جوامع حدیثی مکتوب از مؤلفانشان یا افرادی که از حلقه مشترک نقل می‌کنند در اختیار داریم؟ اگر چنان‌که ینبل فرض بگیریم که حدیث توسط حلقه مشترک پدید آمده است، و هر حدیثی که واقعاً وجود داشته است، باید توسط تمام کسانی که آن را از یک استاد شنیده‌اند نقل شده باشد، در این صورت پس از حلقه مشترک در نسل‌های چهارم و پنجم باید هزاران طریق نقل در اختیار داشته باشیم. اما چنین نشده است. بنابراین، همین که تعداد بسیار اندکی نقل از حلقه‌های مشترک می‌یابیم، قویاً نشان می‌دهد که حلقه‌های مشترک در نقل احادیث استثنا بوده‌اند نه قاعده. پس غیاب آن‌ها نمی‌تواند دلیلی بر نبود حدیث در آن زمان محسوب شود.

یکی دیگر از انتقادات محوری موتسکی نسبت به کار ینبل تعداد اندک منابعی است که وی برای تعیین حلقه مشترک احادیث را از آن - ها استخراج می‌کند. ینبل برای گردآوری طرق نقل یک حدیث عمدتاً به تحفة الأشراف جمال‌الدین مزی (م. ۷۴۲) اتکا می‌کند؛ کتابی که صرفاً طرق نقل احادیث در کتب سته را گردآورده است. درواقع، ینبل



از شکاکیت افراطی وی نسبت به سنت اسلامی دانسته‌اند. از آن جمله می‌توان از جانانان برون یاد کرد که ضمن انتقاد شدید از یک‌جانبه‌نگری ینیل، پیش‌فرض‌های او را تکلف‌آمیز و شگفتی‌آور برشمرده است. به گفتهٔ وی، نظریه‌پردازی ینیل دربارهٔ سنت نقل حدیث اسلامی به آن جا می‌انجامد که خواننده باید قبول کند با شبکه‌ای بسیار پیچیده از دورغ‌ها، جعلیات و دسیسه مواجه است. چه از نظر ینیل، همهٔ اسانید، جز اسانیدی که پس از حلقهٔ مشترک قرار گرفته‌اند، جعلی‌اند. این جعلیات «طرق منفرد»^{۳۴} شبکه‌های اسناد «عنکبوتی» و طرق «شیرجه‌ای» را نیز شامل می‌شود. بنابراین نه‌تنها حجم انبوه موادی که محدثان مسلمان در طول قرون متمادی سامان داده‌اند و در آثار عظیم خویش ضبط کرده‌اند جعلی‌اند، بلکه همهٔ هزاران عالمی که از اندلس تا ایران از قرن دوم هجری به بعد در نقل و نقد این مواد شرکت داشته‌اند، توانسته‌اند این جعل عظیم و همگانی را سامان دهند، و البته پنهان دارند و این در حالی رخ داده است که ناقدان سرسختِ راویان این احادیث و فقهایی که این مطالب را در کار فقهات خویش به کار می‌بستند، دیگر محدثان مسلمان و فقهایی مخالف بوده‌اند. وی به طعنه اظهار می‌دارد که جای شکرش باقی است که دل‌مشغولی دائمی محدثان نسبت به مستندسازی نقایص نقل حدیث هم‌قطاران خویش، مادهٔ خام لازم برای انجام تحلیل‌های سندی را برای محققان غربی چون ینیل فراهم آورده است. این در حالی است که ینیل قدرناشناسانه محدثان مسلمان را به سهل‌انگاری در تحلیل سندی روایات متهم کرده است. ینیل در مقدمهٔ دایرة‌المعارف می‌گوید محدثان مسلمان در هنگام بررسی اسانید توجه نداشته‌اند که هر اسناد چگونه و کجا با دیگر اسانید همپوشانی و تعامل دارد، «گویی آنان هیچ‌گاه در تحقیق از آثاری چون تحفة [مزى] - دست‌کم به‌شیوه‌ای سودمند - بهره نگرفته‌اند» (ص XXiii). اما براون این برداشت را به کل نادرست می‌داند. به نظر او ناقدان مسلمان همواره در پی آن بوده‌اند که همهٔ نقل‌های موجود یک روایت از فردی خاص را گردآورند تا دریابند آیا او به‌عنوان راوی قابل اعتماد است یا نه. وی برای نمونه کتاب‌هایی چون *علل الحدیث*

ابن‌ابی‌حاتم رازی (م. ۳۲۷) و کامل فی ضعفاء الرجال ابن‌عدی (م. ۳۶۵) را مثال می‌زند. به نظر براون ناقدان مسلمان چند قرن پیش از مزى مشغول نگارش کتاب‌های نقد و تحلیل احادیث بوده‌اند^{۳۵} و ساختمان‌های را بنا نهاده‌اند که تحفة قرن هفتمی در قیاس با آنها صرفاً کاری تزئینی و فرعی محسوب می‌شود. از نظر براون، رویکرد غیرتاریخی ینیل و تمرکز محدود بر تحفة حاکی از غالب کاستی‌های روش‌شناختی دایرة‌المعارف اوست. تحفة فشرده‌ای از اسانید است که در جوامع رسمی شش‌گانهٔ اهل سنت یافت می‌شوند. کتب ستهٔ خود محصول پیراسته و نهایی شش عالم قرن سومی است که آنها را به‌عنوان مراجع فقهی و اعتقادی نگاشته‌اند. این کتاب‌ها عصاره، و درواقع نمونه‌هایی از دنیای عظیم نقل و نقد، افق‌های دید و روش‌های محدثان مسلمان بوده‌اند که داوری پیش‌گفتهٔ ینیل آشکارا نشان می‌دهد از آنها بی‌اطلاع است. هر کس بخواهد به این جهان نظری بیفکند می‌تواند به‌سادگی به کتاب‌هایی مراجعه کند که در آنها ناقدان مسلمان روش‌های انتقادی خویش و دریایی گسترده از مطالب که این روش‌ها را بر آنها اعمال کرده‌اند، در آن گردآورده‌اند؛ یعنی کتاب‌های *علل نظیر علل ترمذی* (م. ۲۷۹) یا *دارقطنی* (م. ۳۸۵). عجیب نیست که در شرح‌حال‌های منتخب در دایرة‌المعارف حدیث رسمی ینیل هیچ ارجاعی به این کتاب‌ها دیده نمی‌شود.^{۳۶}

البته هیچ اثری از ایرادهای وارد شده بر روش‌های ینیل و دست‌کم پاسخ‌های احتمالی ینیل به این ایرادها، در کتاب حاضر دیده نمی‌شود. ینیل در مقدمهٔ کتاب نیز صرفاً به موضوعاتی پرداخته که بیشتر مقالاتی دربارهٔ آنها نگاشته است: ناکارآمدی اصطلاحات حدیثی اسلامی و تقسیم احادیث به صحیح، حسن و ضعیف، و اصطلاحاتی چون متواتر و مشهور در تحلیل احادیث (ص XXii-vi)؛ ناکامی ناقدان مسلمان در پیوند دادن مفهوم مدار (نقطهٔ محوری حدیث) با حلقهٔ مشترک (ص XXv)؛ بیهودگی روایات پشتیبان (متابع) (ص XXvi-ii)؛ و مسألهٔ طول عمر خارق‌العادهٔ راویان احادیث (ص XXviii-ix). وی تنها غیرمستقیم به انتقادات محققانی چون موتسکی و اژکن^{۳۷} اشاره می‌کند. او در پانوشتی ذیل مدخل نافع مولی ابن‌عمر به خواننده پیشنهاد می‌کند نظرش را با زیاده‌گویی‌های ناموجه موتسکی مقایسه کند^{۳۸} (ص ۴۳۵). در واقع، به‌رغم ردیةٔ مبسوط موتسکی بر مقالهٔ ینیل دربارهٔ نافع^{۳۹}، او در دایرة‌المعارف خویش همچنان اصرار دارد که شخصیت نافع - راوی بزرگ حدیث - ابداع «خارق‌العاده» مالک‌بن انس و دیگر حلقه‌های مشترک عراقی، مکی و مصری است که در پی مراجعی کهن‌تر برای جعلیات خویش بوده‌اند (ص ۴۳۵)؛ قس (ص ۲۳۸).

با این اوصاف، مطالعهٔ حدیث در غرب همچنان وام‌دار تحقیقات

ینیل است. به‌ویژه که وی در کتاب اخیر خود عصاره و خلاصه‌ای از یک‌عمر حدیث‌پژوهی را - که در مقالات پیشین خویش همواره به آنها اشاره کرده و پشتوانه نتیجه‌گیری‌ها و تعمیم‌های خویش قرار داده است - یک‌جا و بی‌منت در اختیار نهاده است. هرچند برخی چون براون معتقد باشند که شکاکیت افراطی و فهم خودسرانه و کوتاه‌نظرانه ینیل از حدیث‌پژوهی دیرین مسلمانان مانع از آن شده که کتاب حاضر چنان که باید این حوزه علمی را تکامل و توسعه بخشد.^{۲۰}

پی‌نوشت‌ها:

1. Gautier H.A Juynboll
2. *Authenticity of the Tradition Literature: Discussions in Modern Egypt* (Leiden/Boston: Brill, 1967)

۳. از آن جمله می‌توان به کتاب

Muslim tradition, Studies in chronology, provenance and authorship of early Hadith (London: Cambridge University Press, 1983)

و نیز مجموعه‌ای از مقالات وی (منتشر شده بین سال‌های ۱۹۷۱-۱۹۹۴) که در کتاب زیر جمع شده است:

Juynboll, *Studies on the Origins and Uses of Islamic Hadith* (Aldershot: Variorum, 1996)

اشاره کرد. مقالاتی نیز پس از آن در مجلات معتبر غربی منتشر کرده است، از جمله:

‘Appraisal of Some Technical Terms in Hadith Science,’ *Islamic Law and Society* 8/3 (2001), 303-307

۴. رجوع کنید به کتاب مهم و اثرگذار وی با مشخصات زیر:

Josef Schacht, *The Origins of Muhammadan Jurisprudence* (Oxford: Oxford University Press, 1950-1975), “The Evidence of Isnads”, pp. 163

3. originator

۶. ینیل مبنای نظری این روش را نخست در فصل پنجم کتاب سنت اسلامی، مطالعاتی در باب تاریخ‌گذاری، خاستگاه و نگارش حدیث در سده‌های نخست (صص ۲۰۶-۲۱۷) طرح کرده و سپس عملاً آن را بر روی اسانید تعداد زیادی از روایات پیاده‌سازی کرده است. وی در اثنای همین پژوهش‌ها به نکات جدیدی در این باره دست یافته که در مقالات بعدی خویش آن نتایج را منعکس کرده است. ینیل در اصلاحیه‌ای که در آخر کتاب مطالعاتی درباره خاستگاه‌ها و

کاربرد حدیث افزوده، اذعان کرده است که دیدگاه او درباره تحلیل اسناد دانماً در حال تغییر و اصلاح بوده است.

۷. وی پیشتر در مقاله‌ای این روش را به‌طور مشروح ضمن تحلیل سندی یک دسته روایات تبیین کرده بود که مشخصات آن چنین است:

‘Some Isnad-Analytical Methods Illustrated on the Basis of Several Woman-Demeaning Sayings from Hadith Literature,’ *Al-Qantara* 10 (1989), pp. 343-384; repr. in *Studies on Origins and Uses of Islamic Hadith*.

همچنین برای بررسی تحلیلی این روش، رجوع کنید به دو مقاله زیر:

Harald Motzki, ‘Dating Muslim Traditions: A survey,’ *Arabica* lii (2005), 204-53;

سیدعلی آقایی، «تاریخ‌گذاری روایات بر مبنای تحلیل اسناد: نقد و بررسی روش‌شناسی خوتیر ینیل»، علوم حدیث، ش ۴۱، سال یازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۵، صص ۱۴۵-۱۶۸.

۸. در توضیح ناشر در پشت جلد به‌خطا «همه روایات رسمی» آمده است.

4. Common Link

5. backward growth

6. Juynboll, *Muslim Tradition*, 72-4.

7. historicity

8. an argument *e silentio*

برهان مبتنی بر سکوت (argument from silence) به استنتاج مبتنی بر سکوت یا نبود شاهد مخالف گفته می‌شود. در مطالعات تاریخی، اگر از فقدان ارجاع به یک موضوع در نگاشته‌های موجود مؤلفی چنین استنباط شود که او از آن موضوع بی‌اطلاع بوده است، به آن برهان مبتنی بر سکوت اطلاق می‌شود. این برهان در مباحث منطقی محض (purereasoning) در شمار مغالطات دانسته می‌شود، اما همین برهان ممکن است در استدلال‌های فرضیه‌ای (abductive reasoning) معتبر و قانع‌کننده باشد. در واقع اعتبار و قانع‌کنندگی چنین استدلالی بستگی به شرایط پیرامونی و پس‌زمینه موضوع مورد بحث دارد. مثلاً اگر ذکر مطلبی کاملاً طبیعی باشد، از قلم‌افتادگی آن می‌تواند دلیل خوبی برای فرض عدم اطلاع باشد. اما اگر بتوان دلایلی برای عدم ذکر آن مطلب فرض کرد، چنین استدلالی دیگر چندان قانع‌کننده نخواهد بود. برای اطلاع بیشتر، رجوع کنید به:

The Oxford Essential Dictionary of Foreign Terms in English, ed. Jennifer Speake (Berkley Books, 1999), “argumentum *e silentio* noun phrase”; *The Concise Oxford Dictionary of the Christian*

Relation to the *Madar*, *Islamic Law and Society* 11/1 (2004), 42-77.

۲۸. عبارت وی چنین است:

Cf. H. Motzki's overall unconvincing excursions in *Der Islam* LXXIII.

۲۹. مشخصات کتاب‌شناختی آن چنین است:

H. Motzki, 'Que vadis, Hadit-Forschung? Eine Kritische Untersuchung von G.H.A. Juynboll: "Nafi' *mawla* of Ibn 'Umar, his position in Muslim Hadit Literature"', *Der Islam* 73/1 (1996): 40-80, 73/2: 193-231.

20. Brown, 'Book Review of *Encyclopedia of Canonical Hadith*, 397.

Church, ed. E.A. Livingstone (Oxford: Oxford University Press, 2006).

9. moment

10. Single strands

11. spider

12. Juynboll, 'Some *Isnad*-Analytical Methods', 352-3, 380.

13. diving

14. Juynboll, 'Some *Isnad*-Analytical Methods', 366, 375-7.

15. Juynboll, '(Re) Appraisal of some Hadith Technical Terms', 318.

16. Christopher Melchert, 'Book Review of *Encyclopedia of Canonical Hadith*, *Islamic Law and Society* 15 (2008), 408.

۲۲. برای تفصیل بیشتر درباره اشکالات وارد بر روش‌های ینبل، نگاه کنید به:

H. Motzki, 'Dating Muslim Traditions: A Survey', 204-53;

نیز: سیدعلی آقایی، «تاریخ‌گذاری روایات بر مبنای تحلیل اسناد»، صص ۱۴۵-۱۶۸.

۲۳. منظور عبدالصمد شرف‌الدین، ویراستار نخستین چاپ تحفة مزّی است که مشخصات کتاب‌شناختی آن چاپ به قرار زیر است: یوسف بن عبدالرحمان مزّی، تحفة الأشراف بمعرفة الأضراف، چاپ عبدالصمد شرف‌الدین، ۱۹۶۵-۱۹۸۲. ملچرت (همان، ص ۴۱۰) معتقد است که دایرة‌المعارف ینبل بیشتر به تکملة کتاب مزّی شباهت دارد.

17. single strand

۲۵. برای اطلاع بیشتر در این باره و تحلیل روش‌های نقد حدیث در سده‌های نخستین اسلامی، رجوع کنید به:

Eerik Dickinson, *The Development of Early Sunnite Hadith Criticism: The Taqdima of Ibn Abi Hatim al-Razi (240/854-327/938)* (Leiden/Boston/Köln: Brill, 2001).

18. Jonathan A.C. Brown, 'Book Review of *Encyclopedia of Canonical Hadith*, *Journal of Islamic Studies* 19/3 (2008), 395-7.

19. Halit Ozken, 'The Common Link and Its